



■ شما همواره بر اصلاح ساختار اقتصاد کشور تأکید دارید. در این مقطع با توجه به اقدام دولت در اصلاح ساختار بودجه و کسر ۶۲ هزار میلیارد تومان از حساب دخل خرج کشور از یک سو و کاهش صادرات نفت تا ۳۰۰ هزار بشکه از سوی دیگر؛ آیا این اصلاح ساختار می‌تواند اثر گذار باشد؟ امکان تحقق آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بودجه ساختاری است که دخل و خرج یک ساله دولت را نشان می‌دهد. این سازو کار باید بر پایه نظام اقتصادی یک کشور که می‌تواند اقتصاد از یک سو، سیاستی، سرمایه‌داری و پارلمانی باشد شکل بگیرد که از مهمترین مشخصه‌های اصلی آن این است که قابلیت اجرایی داشته باشد.

در بودجه‌های سالانه خود قرار داد، کشورهای اروپایی و آسیایی نیز به این عرصه پیوستند و بودجه خود را از بودجه جاری به بودجه عملیاتی تبدیل کردند. اما آنچه در سال‌های اخیر در روش بودجه‌نویسی کشور ما وجود داشته نشان می‌دهد که ما با بودجه عملیاتی فاصله زیادی داریم زیرا ساختار بودجه‌ای با مسیر بیمار است و حتی با اصلاحاتی که اخیر انجام شده نمی‌تواند در دست قرار بگیرد زیرا تنگناهای بودجه ما میان این روش‌های اصلی بر طرف نخواهد شد.

یکی از عمده نقد‌های وارد بر ساختار بودجه‌نویسی ما این است که تکلیف دستگاه‌های دولتی را مشخص نمی‌کند و بخش خصوصی نیز نمی‌تواند با نگاه به بودجه آینده خود را ترسیم کند. در واقع دولت باید بودجه را برای بخش‌هایی که در نظر بگیرد که بتواند در مورد نحوه استفاده از آن سوال کند، پاسخ بگیرد و مقایسه کند که چقدر به هدف تعیین شده نزدیک شده است. به عبارت دیگر باید مشخص شود که چقدر رفتار ارقامی که در بودجه لحاظ شده توانسته نیازهای جامعه را بر آورد کند؟ در واقع بودجه برای پاسخگویی به این سوال‌ها و نیازها نوشته می‌شود نه برای پیش کردن پول اختصاصی بودجه این گونه نیست که دولت بگوید از منابع خاصی پول جمع شده و دنبال آن بایم. بعد از مردم و تولیدکنندگان مالیات بیشتری دریافت می‌شود تا تجمیع و تقسیم آن بین دستگاه‌ها رضایت آنها را کسب کنیم.

بودجه در تعریف واقعی خود باید موجود باشد و توسعه اقتصادی خود را انجام بدهد ما این علامت را دارم؟ ما هر قدر که از سال‌های گذشته

می‌گیریم می‌بینیم که برنامه و ترکیب توسعه‌ای در بودجه دیده نشده و به همین دلیل است که رشد اقتصادی رقم نمی‌خورد. در ایران بودجه تنها به این موضوع محدود شده است که دولت یکسری در آمد را در بودجه بنشاند و اگر نشد با اجبار این کار را بکنند و از طریق اخذ مالیات بیشتر از حقوق بگیران، مالیات‌هایگان اصلی را در حاشیه حفظ کنند تا از این طریق بر جهت عکس فلسفه مالیات‌گیری که در دنیا رایج است، عمل کند.

بر این اساس بهبود شاخص‌ها و اصلاح ساختار بودجه تنها با واکان بر مفهوم «تمکک دارایی» و «اعتبارات هزینه‌ای» صورت نمی‌گیرد. بودجه سال گذشته براساس فروش ۱/۵ میلیون بشکه نفت بسته شد. در همان زمان بسیاری از کارشناسان آن را نقد کردند و یادآور شدند که

بودجه با کسری قابل ملاحظه‌ای روبرو خواهد شد. اما سیاست‌گذاران گفتند ما صلاح می‌دانیم که اعداد اعلام شده در بودجه این گونه باشد. بعد از اصلاح ساختار این اعلام کردند که باید تا پایان سال ۳۰۰ هزار بشکه فروش نفت محقق شود که البته بحث اولیه آن روی ۵۰۰ هزار بشکه بود.

اما اگر از بازی با اعداد دور شویم نکته قابل

این است که چگونه باید از وزر تخانه‌ها پانجاهای خاص در مورد بودجه‌ای که برای نشان تعیین می‌شود سوال کرد و جواب خواست که بودجه مورد نظر را چگونه خرج کرده‌اند؟

چگونه اسلام است در بودجه عملیاتی ما چنین ساختاری وجود ندارد. شاید در بلند زمانی یعنی از ۱۴ آذر که دولت باید بودجه را تقدیم مجلس کند و بعد از طی کمیسیون‌های تخصصی به شورای نگهبان برود و اصلاحیه و ابلاغیه آن که به پانسان سال منتهی می‌شود به گمان برخی تعیین بودجه عملیاتی است، اما این گونه نیست. زیرا نتایج نشان می‌دهد که بودجه با وجود طی کردن فرآیند طولانی برای تصویب، در عمل کارایی لازم را ندارد و در نهایت و ازیر میزان قابل توجهی پول به حساب وزارتخانه‌ها و نهادهای امور جاری و پرداخت حقوق است و قرار نیست با آن هدف‌های برنامه‌ای محقق شود.

بنابراین اینگونه ۱۵۵ بشکه نفت را به ۳۰۰ هزار تقلیل بدهیم به مفهوم اصلاح ساختار نیست و ضمن اینکه کارایی مورد انتظار را هم درآورد. بنابراین این جای که یک سوم بودجه سهم سازمان‌های دولتی است و در حال حاضر بیشتر این بودجه صرف امور هزینه‌ای می‌شود نمی‌توان انتظار مثبتی از آن داشت. بودجه‌نویسی باید بر پایه نظام تعریف شده انجام شود و از برنامه‌های اقتصادی دیده شده در برنامه نوع نظام اقتصادی دیده شود، اما آنچه اکنون در جریان است تنها سخنان عوام‌فریبی است که مردم‌های باورآرد کرده و به جای رسیده که وعده می‌دهند در ادامه مسیر باید ساختار

سازمان ملل را نیز اصلاح کند!

■ دولت برای عبور از شرایط کسری بودجه، در چه حوزه‌هایی می‌تواند نسبت به توانمندسازی خود اقدام و ایجاد درآمد کند؟

دولت برای رسیدن به این مهم باید اقتصاد نفت را از بودجه جدا و بخش مهمی از درآمد کشور را در حوزه صادرات و واردات تعریف کند. در حوزه توانمندی‌های ارائه خدمات نیز که با ایجاد و شکل‌گیری ارزش افزوده می‌تواند درآمدی را محقق کند دولت باید برنامه‌ریزی داشته باشد زیرا توانمندی‌های ارزش افزوده بودجه این بخش که در واقع فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، در دنیا دولت‌ها به دنبال فعالیت‌هایی هستند که ارزش افزوده بیشتر تولید می‌کند تا با برنامه‌ریزی صحیح آن را توسعه دهند چرا که اشتغال ایجاد می‌کند. ضمن اینکه میزان آن وارد جامعه می‌شود و دولت می‌تواند از آن مالیاتی بگیرد که هر سال در حال افزایش است زیرا پایه کار براساس ارزش افزوده است.

در واقع این گونه فعالیت‌ها تولید ملی است که ضمن جذب نیروی کار و مهارت آموزی، هر سال گسترش پیدا کرده و بهروروی اثرش بیشتر می‌شود و با ایجاد ارزش افزوده بیشتر در نهایت در آمد افزون‌تری را در جامعه ایجاد می‌کند. در حالی که اکنون تنها با فروش نفت که ذخیره طرحی است بودجه کشور تنظیم می‌شود، بحث معادن نیز شرایط همین گونه است یعنی با تحریک جنگل‌ها، سنگ‌های معدنی به خارج از کشور و به طور عمده چین صادر می‌شود و در مقابل لای‌ای ساخته شده و در ایران می‌شود اما چشم‌پوشی اتفاق خواهد افتاد.

این مسئله در مورد پت، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر نیز صادق است. براین اساس کدام یک از صنایع ما قابلیت تعریف با ساختار اقتصاد آزاد را دارد؟ و چقدر این مهم قابل پیش‌بینی است که چنانچه یکی از عرصه‌های کهنده‌ها و تولیدکنندگان از عرصه اقتصاد خارج شوند نوسان قیمت قابل ملاحظه در بازار بود چگونه؟ برخی که مدعی نظام اقتصاد بازار آزاد هستند باید این نکته توجه کنند که در شرایط فعلی اقتصاد ایران عملیاتی کردن این روش، تنها به محدود کردن تولید و افزایش



مستخدمین حسینی در گفتگو با «توسعه ایرانی»:

حکمرانی بدهانع اصلاح ساختار اقتصادی است

بیشتر مشکلات اقتصادی ناشی از نابدی ما در امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است



دکتر حیدر مستخدمین حسینی، اقتصاددان و معاون وزیر اقتصاد دولت اصلاحات، در گفتگویی صریح با «توسعه ایرانی» به آسیب‌شناسی اقتصاد ایران پرداخت و تأکید کرد که برای اصلاح ساختار لازم است در ابتدا مشخص شود که اقتصاد کشور از چه نظامی تبعیت می‌کند: سرمایه‌داری، اقتصاد آزاد، اقتصاد قایمی و یا سوسیالیستی؛ به اعتقاد او در سایر کشورها شخص یا اشخاصی که سیاستگذاری غلطی را اجرایی کرده باعث گسترش فساد و تلاطم در بازارهای می‌شوند، محاکمه یا از پست خود برکنار می‌کنند در کشور ما نیز به ویژه در مقطع کنونی و برای عبور از بحران تحریم‌ها، اصلاح ساختار و حسینی از این نقطه آغاز می‌شود: «مسئولی که زمینه فساد را فراهم کرده محاکمه و برکنار کنیم.»

با مستخدمین حسینی در مورد ساختار بودجه نویسی کشور، مالیات بر ارزش افزوده به عنوان فردی که برای اولین بار این بحث را در مجلس مطرح کرد، از ۴۲۰۰ تومانی، ر مزارزها، دیپلماسی اقتصادی و... نیز پرسش‌هایی مطرح و پاسخ‌های مسسوطی در یافت کردیم که در ادامه می‌خوانید.

اقتصاد آزاد را توصیه و تعریف نمی‌کند.

چرا که بر اساس تعریف اقتصاد آزاد اگر یک تولیدکننده در صحنه خارج شود نباید در سال گسترش پیدا کرده و بهروروی اثرش بیشتر می‌شود و با ایجاد ارزش افزوده بیشتر در نهایت وجود باید. به طور مثال در صنعت فولاد کشور چنانچه فولاد مبارک که بخواد در عرصه خارج شود آن وقت شاهد خواهیم بود که چه تلاطمی در بازار قیمت فولاد رخ خواهد داد. یا در صنعت خودرو و سایر اگری یکی از خودروسازان بزرگ کشور خطوط تولید خود را متوقف کند تا بودجه به شرایط خاص بازار خود روبرو بینند در آن زمان چه چشم‌پوشی اتفاق خواهد افتاد.

این مسئله در مورد پت، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر نیز صادق است. براین اساس کدام یک از صنایع ما قابلیت تعریف با ساختار اقتصاد آزاد را دارد؟ و چقدر این مهم قابل پیش‌بینی است که چنانچه یکی از عرصه‌های کهنده‌ها و تولیدکنندگان از عرصه اقتصاد خارج شوند نوسان قیمت قابل ملاحظه در بازار بود چگونه؟ برخی که مدعی نظام اقتصاد بازار آزاد هستند باید این نکته توجه کنند که در شرایط فعلی اقتصاد ایران عملیاتی کردن این روش، تنها به محدود کردن تولید و افزایش

■ پیشنهاد شما برای اصلاح ساختار اقتصادی با قابلیت اجرایی شدن آن برای عبور از شرایط تحریم چیست؟

در شرایط تحریم باید بودجه‌ای نوشت که شاکله لازم برای اجرا و هدف‌گذاری را داشته باشد. یعنی دولت در وهله اول باید گر هزینه‌های مربوط به خود را محدود کند. در دولت فعلی از ابتدا تاکنون بودجه جاری ۴ برابر شده یعنی ۲۰۰ برابر افزایش پیدا کرده که باید جستجو کرد چرا این اتفاق افتاده است! اما در نقطه مقابل دولت با تأکید بر محبت مالیات و فشار بر مردم و تولیدکنندگان سعی دارد که اهداف دیده‌شده در بودجه را محقق کند بدون آن که در مسیر بودجه عملیاتی گام بردارد زیرا بودجه عملیاتی باید پایه بسیاری از برنامه‌هاست سمت اقتضایی شدن مثبت از آن داشت

اینکه دولت در بودجه ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالای اساسی در نظر بگیرد و بعد نظارتی نداشته باشد که چه کالایی وارد شده، چقدر مورد نیاز دولت باشد و صرف امور هزینه‌ای می‌شود نمی‌توان انتظار اتفاق مثبت از آن داشت

شماره ۳۱۵ / چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ / ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ / ۱۴ اوت ۲۰۱۹

شماره ۳۱۵ / چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ / ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ / ۱۴ اوت ۲۰۱۹

می‌کنند. بر این اصل ما نیز برای عبور از بحران تحریم‌ها و سیاستگذاری‌های غلط باید مسئولی که زمینه فساد را فراهم کرده محاکمه و برکنار کنیم که در واقع اصلاح ساختار واقعی از همین نقطه شروع می‌شود.

■ در بودجه ۹۸ دولت ۱۴ میلیارد دلار از ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی در نظر گرفته و مدعی تخصیص این ارز برای جلوگیری از ایجاد تورم است. این در حالی است که تجربه اختصاص ارز ترجیحی در سال گذشته بنابر گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که افزایش قیمت در بسیاری از کالاها تا ۱۳۰ درصد اتفاق افتاده است. به نظر جنابعالی آیا ادامه این سیاست ارزی دولت منجر به گسترش رانت و افزایش قیمت‌ها در سال جاری نیز خواهد شد؟

در بحث واردات و صادرات سیاستگذاری مناسبی وجود ندارد. اینکه دولت در بودجه ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالای اساسی در نظر بگیرد و بعد نظارتی نداشته باشد که چه کالایی وارد شده، چقدر مورد نیاز بازار بوده و با چه قیمتی توزیع شده است نمی‌تواند در تنظیم بازار و جلوگیری از تورم نقشی داشته باشد. وقتی یک شرکت کارویی ۲۵ درصد ارز مورد نیاز صنعت داروسازی را در سال ۹۷ دریافت می‌کند و کمتر از یک درصد یعنی ۰/۷ درصد بازاری واردات دارد باید دید این ارز کجا رفته است؟ مهم‌تر اینکه دولت باید پاسخگو باشد که چرا این میزان ارز تنها به یک شرکت دارویی داده شده و چرا سیاستگذاری لازم در مورد واردات دارو از کانال‌های مناسب هم‌را با نظارت لازم صورت نگرفته است؟ متأسفانه آنچه در جریان تخصیص ۴۲۰۰ تومانی و رانت ناشی از آن بوجود آمد نشان داد که هیچ کدام از وزرا و نهادهای مرتبط در این زمینه پاسخگو نبوده و مسئولیت‌پذیر نیستند.

تغییر سیاست‌های پی‌درپی دولت در قالب بخشنامه‌ها و الزام‌پیام بسیاری از زیرشرایطی را پدید آورد که بسیاری از کسانی که فعالیت‌های کنابیز انجام می‌دهند شرکت‌های وارد ترکیه، دبی یا مالزی و چین را مانداری کرده‌اند که متعلق به خودشان است و با استفاده از این تجارتی را شترکت‌ها رقم کالاهای وارداتی را دستکاری و باقیمت بالا وارد می‌کنند. این موضوع در شرایط عکس برای واردات ارقم پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هر دو حالت با کم‌ظاهاری ارقامی در حساب شرکت‌های ثبت شده در خارج کشور ذخیره می‌شود. بر این اساس ادامه سیاست تخصیص ارز ترجیحی هم رانت را به دنبال دارد و هم فرار سرمایه‌های ارزی را که دولت برای پایان دادن به چنین وضعیتی باید تدبیر لازم را در جهت پست‌سازی برای یکسکان‌سازی نرخ ارز، اتخاذ کند.

فایده‌ای دارد؟ این قیمت نفت در منطقه و در سطح جهانی افزایش پیدا کند شاید بتواند بخشی تهران را سودمندی را بر طرف کند، اما نمی‌تواند به عبارت دیگر تمام وقت و هزینه‌ای که یک دولت در زمان خود صرف ادغام این ارز و ترانزخانه کرد است، چقدر برابر آن در دولت بعدی باید هزینه شود! ادعای دوسرانه آن وزر ترانخانه عملیاتی شود.

در دنیا سیاستگذاری‌های اقتصادی با حضور کارشناسان و دعوت از اساتید گذارنی که و در آنجا با در نظر گرفتن شرایط داخلی و بین‌المللی تصمیم‌سازی شده و در مرحله بعد تسال تجریه وضعیت منفی، اکنون اقتصادی سه است که دلیل آن نیز برای جریان کاهش ارزش پول ملی و ایجاد تعادل است، دولت مدعی است که این سرمایه‌گذاران باید مالیات سودی که کسب کرده‌اند از رانیز در کنار مالیات حاصل از خرید و فروش سهام پرداخت کنند و به عبارتی دولت را شریک سود سهام خود کنند.

از سوی دیگر دولت در شرایط جاری بدی فشارهای خارجی و تحریم‌های بین‌المللی را از این جهت که این به معنی آینده‌روشی است که تحقق آن ممکن است در همین دولت و یا دولت‌های بعدی مسیر خود را باید با صراحت به این سوال پاسخ داد که چوب انتشارش این اوراق مشارکت را چه کسی خواهد خورد؟

مورد دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد نکته‌ای است که در زمان تنظیم و توزیع بودجه عوامل نمی‌شود و آن الزام توجه تا افزایش و نواف با حداقل تثبیت رفاه مردم است. وضعیت فعلی بودجه نشان گرفته از تصمیمات غلط دولت و مجلس است که مردم تلوان آن را پر پرداخت می‌کنند.

در این زمینه در سایر کشورها شخص و یا اشخاصی این موضوع را غلطی را اجرایی می‌کنند و باعث گسترش فساد و تلاطم در بازارهای می‌شوند، محاکمه یا از پست خود برکنار

ولیسه را پرداخت می‌کند و کالای آن می‌رود به هر حله بعد، در چرخه دوم باید بخشی از آن مالیات به تولید کننده برگردد، ولی در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد.

سال گذشته ۴۰ هزار میلیارد تومان مالیات ارزش افزوده اخذ شده، اما از آنجا که در چرخه درست خود قرار نگرفته است بخشی از مالیات در یافت شده به هیچ یک از چرخه‌های بازگشته که این امر اصل فلسفه این نوع مالیات را از بین برده است

من در زمان تصویب این طرح به صراحت اعلام کردم که دولت نباید با دریافت مالیات ارزش افزوده به دنبال کسب درآمد بیشتر برای خود باشد. بلکه باید اصلاح ساختار انجام دهد، یعنی مشخص کند چه کالایی تولید و باوردا شده و به کجا می‌رود؟ باید در این زمینه شفاف‌سازی کند تا جلوگیری از دلالی گرفته شود. در واقع خود باید این دلیل برای باوردا تصویب قرار گرفت، اما آنچه اکنون در حال اجراست در جهت عکس کنابیزم این نوع مالیات عمل می‌کند. سال گذشته ۴۰ هزار میلیارد تومان مالیات ارزش افزوده اخذ شده، اما از آنجا که در چرخه درست خود قرار نگرفته است بخشی از مالیات سران سه قوه کنابیزمی را طراحی کرده که با نظر کارشناسان این طرح باید به تمام بازارهای نر مال بازگرداند و بعد از آن با یکسکان‌سازی، به دوران چندرخی از پایان دهند زیرا یکتخری شدن از دیگر خرید آن با هدف سرمایه‌گذاری پایان یافته و برنده سودگرای و توزیع‌خوری در حاشیه آن در می‌جستجیل هم به همین نرخ خورد.

■ با توجه به سابقه حضور جنابعالی در حوزه‌های مدیریت بانک مرکزی و شناخت عمیق شما نسبت به کارکرد و قدرت اجرای قوانین، عملکرد در رئیس کل بانک مرکزی را در طول یک سسال مدیریت‌تان نشان در بحران‌های حسی حوزه بازارهای مالی و ارزی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تفاوت آقایی همتی با ریاست قبلی بانک مرکزی در این است که ایشان حسابدار بودند اما همتی اقتصاددان است. در سال‌های اخیر به خودشان است و با استفاده از این تجارتی را شترکت‌ها رقم کالاهای وارداتی را دستکاری و باقیمت بالا وارد می‌کنند. این موضوع در شرایط عکس برای واردات ارقم پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هر دو حالت با کم‌ظاهاری ارقامی در حساب شرکت‌های ثبت شده در خارج کشور ذخیره می‌شود.

تفاوت آقایی همتی با ریاست قبلی بانک مرکزی در این است که ایشان حسابدار بودند اما همتی اقتصاددان است. در سال‌های اخیر به خودشان است و با استفاده از این تجارتی را شترکت‌ها رقم کالاهای وارداتی را دستکاری و باقیمت بالا وارد می‌کنند. این موضوع در شرایط عکس برای واردات ارقم پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هر دو حالت با کم‌ظاهاری ارقامی در حساب شرکت‌های ثبت شده در خارج کشور ذخیره می‌شود.

تفاوت آقایی همتی با ریاست قبلی بانک مرکزی در این است که ایشان حسابدار بودند اما همتی اقتصاددان است. در سال‌های اخیر به خودشان است و با استفاده از این تجارتی را شترکت‌ها رقم کالاهای وارداتی را دستکاری و باقیمت بالا وارد می‌کنند. این موضوع در شرایط عکس برای واردات ارقم پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هر دو حالت با کم‌ظاهاری ارقامی در حساب شرکت‌های ثبت شده در خارج کشور ذخیره می‌شود.

تفاوت آقایی همتی با ریاست قبلی بانک مرکزی در این است که ایشان حسابدار بودند اما همتی اقتصاددان است. در سال‌های اخیر به خودشان است و با استفاده از این تجارتی را شترکت‌ها رقم کالاهای وارداتی را دستکاری و باقیمت بالا وارد می‌کنند. این موضوع در شرایط عکس برای واردات ارقم پایین‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در هر دو حالت با کم‌ظاهاری ارقامی در حساب شرکت‌های ثبت شده در خارج کشور ذخیره می‌شود.

■ شما به عنوان اولین فردی که بحث مالیات بر ارزش افزوده را در مجلس مطرح کرد تا چه میزان از نتصود اجرای آن در شرایط کنونی دفاع می‌کنید؟ آیا شیوه برتیا تان در مالیات از اصل اولیه و تأیید نشده آن انحرف پیدا کرده و یا اینکه در همان مسیر عملیاتی شده است؟

من حیدر مستخدمین حسینی کسی بودم که در مجلس برای اولین بار بحث مالیات بر ارزش افزوده را مطرح کردم که برای بالی نمایندگان دادی نمی‌توانست این اوراق مشارکت را چه کسی خواهد خورد؟

مورد دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد نکته‌ای است که در زمان تنظیم و توزیع بودجه عوامل نمی‌شود و آن الزام توجه تا افزایش و نواف با حداقل تثبیت رفاه مردم است. وضعیت فعلی بودجه نشان گرفته از تصمیمات غلط دولت و مجلس است که مردم تلوان آن را پر پرداخت می‌کنند.

در دو دهه گذشته اقتصاد ایران از این معضل بیشترن ضربه را بخورد است. از ابتدای دولت‌ها تاکنون نقدینگی کشور به بیش از ۷۵ برابر رسیده است اما در نقطه مقابل، تولید مانند رشد ۲۵ درصدی را تجربه کرده است! از سوی دیگر توزیع نقدینگی متناسب با عدالت صورت نگرفته یعنی اگر همه درآمدها متناسب و معادل خودشان افزایش پیدا می‌کردند اکنون مشکلات رفاهی مردم تاین اندازه بزرگ نبود.

در این زمینه توزیع عادلانه نقدینگی توسط نظام بانکی و کسر بودجه دولت از جمله دلایل خلق پول توسط بانک‌ها شد که در ادامه بیشتر به کسانی تعلق گرفت که نقدینگی لازم را داشتند و تنها آن را افزایش می‌دادند در حالی که مردم عادی از این فرصت بهره‌مندی از رنجستار است. محروم بودند، بران اصل به عبارتی ۹۰ درصد نقدینگی جامعه در اختیار ۱۰ درصد از مردم قرار گرفت که انقدر قدرت دارند که با ورود به هر بازار تعادل آن را به هم بریزند و روند آن بازار را صعودی کنند.

برای حل این معضل متوسط رشد نقدینگی بین ۲۳ تا ۲۵ درصد است و باید به ۱۵ درصد کاهش داد. بر این اساس رئیس کل بانک مرکزی باید با استفاده از فرصت تأیید شورای اقتصادی سران سه قوه کنابیزمی را طراحی کرده که با نظر کارشناسان این طرح باید به تمام بازارهای نر مال بازگرداند و بعد از آن با یکسکان‌سازی، به دوران چندرخی از پایان دهند زیرا یکتخری شدن از دیگر خرید آن با هدف سرمایه‌گذاری پایان یافته و برنده سودگرای و توزیع‌خوری در حاشیه آن در می‌جستجیل هم به همین نرخ خورد.

■ تولید و انتشار رمازها اکنون به محل

واقعبیت این است که بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی ناشی از نابدی ما در امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است. البته فشارهای خارجی و تحریم‌ها نیز تأثیرگذار است اما اگر ساختار درستی تعریف شود حتی تحریم‌ها نیز تبدیل به فرصت می‌شود

بحث و نقد بسیاری از کارشناسان بازارهای مالی تبدیل شده، عده‌ای ورود به عرصه

از راه‌های جدیدی را به عتوان یکی نیاز بازارهای دیجیتال در سطح بین‌المللی الزامی می‌دانند و در مقابل برخی با ارائه دلایل بسیار و با تأکید بر این نکته که در یک نقطه تولید آن رمازها با متوقف شدن یک شد، متخالف و در بازارهای مالی کشور به این عرصه هستند. به نظر شما با ورود یک مثبت بانک مرکزی و رسمی شناختن صنعت ما ماینینگ و با توجه به استقبال بالا در تولید رمازها و این عرصه برای اقتصاد کشور ضروری است؟

ما در عصر انقلاب صنعتی چهارم هستیم، اما از این انقلاب در جامعه و بازارهای داخلی نداریم. شما

ما در عصر انقلاب صنعتی چهارم هستیم، اما از این انقلاب در جامعه و بازارهای داخلی نداریم. شما

■ به نظر جنابعالی راهکار عبور دیپلماسی اقتصادی ایران از تحریم‌ها و ساختارهای نامتوازن داخلی چیست؟

قطع یقین نگاه دیپلماسی اقتصادی و سیاسی ایران نباید

به وزارت صمت مراجعه کنید و بگویید در مورد چاپگرهای سه بعدی اطلاعات و خدمات داخلی می‌خواهم باید به کجا مراجعه کنم؟ نمی‌توانند پاسخ می‌شاید بدهند. این در حالی است که تقریباً یک دهه است که این جشن صنعتی در دنیا مطرح شده به شدت در رقابت بین کشورهای صنعتی است.

در این زمینه اوپاما در سال دوم ریاست جمهوری خود اعلام کرد که ما می‌خواهیم مانند همه صنایع دیگر، آمریکا در این عرصه پیش‌باز باشد و بعد از چاپگرهای

نسل سوم به میدان آمدند و در بسیاری از عرصه‌های تولید ورود پیدا کرده و تغییرات قابل توجهی را رقم زدند. اما در ادامه این انقلاب صنعتی پوشش دهنده بازارهای مالی هم شد که یکی از این موارد رانهای رنجستار است. طبیعت این کار ایجاب می‌کرد که حلقه مفقوده‌ای را هم پیدا کنند و بر اساس آن ساختار دنیا در حوزه پولی درگروگن شد. در این شرایط اگر کشوری به عرصه رمازها ورود پیدا کند و شکلات را صعودی کند.

خاص خود را دارد تنها از پدیده‌های عصر تکنولوژی محروم شده است. ورود به عرصه انقلاب صنعتی چهارم یک ضرورت است در این مورد فارکس نیز محلی بود که سال‌ها پیش در بازارهای مالی مطرح شد اما دولت آن را بیرون‌داد. برای مثال در تمام بازارهای بین‌المللی رواج پیدا کرد و در راستا عده‌ای نیز به صورت پنهانی در ایران آموزش‌های لازم را دیدند و توانستند با توجه به علم وارد دنیا در بازارهای بورس جهانی حضور پیدا کنند. اگر ساز از می‌جستجیل هم به همین نرخ خورد.

محدود کنند صورت بگیرد بازنده بخشی از

انقلاب صنعتی چهارم خواهیم بود، بنابراین باید از آن استقبال کنیم. این نوع دولت مالزی در حوزه رانهای دیجیتال پیشرو است و در هر جای دنیا که از دیجیتالیز تولید می‌شود بلافاصله در مایز مورد ارزیابی و بومی‌سازی در قالب قدرت مذاکرات راهکارهای مسالمت‌آمیز همکاری‌های مالی دنیا در بورس این کشور با اسم جدید ارائه چشمگیری در سطح منطقه برسم. در واقع می‌خواهیم اثرگذار باشیم باید با پیوند با سایر کشورها در شکل‌گیری یک پیمان منطقه‌ای اقتصادی آسیایی، شرایط را به نفع منطقه تغییریم.

بر این زمینه لازم است پیمان‌هایی مانند اکو که پیش از این بین کشورهای منطقه منعقد شده

از دستگشش پیدا کنند. در همکاری بیشتر بتوان از مزایای یکدیگر بهره‌مند شد. به نظر شما برای یک لایحه تهیه و برای بررسی بیشتر به مجلس ارسال می‌کند، در مرحله بعد شورای نگهبان حکم می‌کند که این پدیده خلاف شرع است و باید لایحه رد می‌کنند بدون آن که آن را اصلاح کند. بنابراین باید برای همکاری شدن با بازارهای بین‌المللی با تغییر و اصلاح قوانین نسبت به بومی و شرعی کردن این نوآوری‌های صنعتی سازو کار لازم تعریف شود تا بازارهای صنعتی مالی داخلی بتوانند از پدیده‌های انقلاب صنعتی چهارم بهره‌مند شوند.

گفته‌شده شرایط ورود به عرصه رمازها در اقتصاد در شرایط تحریم باید با توجه به شرایط واقعی اقتصاد کشور برنامه‌ریزی کنیم و نباید با مطرح کردن الگوهای غربی به بیط‌بافت اقتصاد مانند اقتصاد آزاد یا سوسیالیسم، فعالیت‌ها موجود را کم‌توان کنیم. در این مورد باید الگوی جدید مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی که کارایی لازم را برای گذر از بحران‌های موجود دارد تعریف شود و همگام با آن نظارت‌ها نیز گسترش پیدا کرد.

دولت باید تا در نظر اقتصاددانان و صاحبان اندیشه که شرایط موجود را در درستی تحلیل و نقد می‌کنند برای پیشگیری روند حکمرانی اقتصادی استفاده و راهکارهای آنان را عملیاتی کند. زیرا فاصله طبقاتی و جبر حاکم فشار زیادی را بر مردم تحمیل کرده است که دیگر نمی‌توان تنها به دادن رانت پیش رفت.

بر این اصل باید توجه‌های کارساز جدید تدوین و اجرایی شود مانند کار در ماهاتیر محمد، رئیس‌جمهور مالزی در دور اول ریاست خود انجام داد و در نسخه‌ای که برای بهبود ساختار حکمرانی داری نوشت با تثبیت در دست اهداف حتی در حوزه آموزش مشخص کرد که در بازه زمانی خاص کشورش باید در حوزه علوم عالی پیشرو باشد و دانشگاه‌های آن به صورت بین‌المللی پذیرش دانشجویان داشته باشند و اکنون سال‌هاست که به این هدف رسیده‌است.

ماهاتیر محمد در آن زمان با تدوین قاعده ۲۰۲۰ در حوزه اقتصاد اعلام کرد که کشور باید چند کمربندها را محکم ببندیم زیرا دیگر دوران تشریفات و تجملات به سر رسیده است. بر همین اساس اقدام به تغییر را از راس باید به چهره انجام داد و متعاقب آن اقتصاد، بازارهای مالی و بورس مالزی را درگروگن کرد.



از ابتدای دولت نهم تاکنون نقدینگی کشور به بیش از ۷۵ برابر رسیده اما در این توزیع نقدینگی متناسب با عدالت صورت نگرفته است. اگر همه درآمدها متناسب و معادل خودشان افزایش پیدا کنند اکنون مشکلات رفاهی مردم تاین اندازه بزرگ نبود

به گونه‌ای باشد که با تباط با دیگر کشورها محدود شود. پیش از این در جریان برنامه هیات‌های مختلفی از کشورهای اروپایی و آسیایی آمدند و رفتند اما نتیجه لازم کسب نشد. باید در این زمینه آسیب‌شناسی لازم توسط دولت، دولت، قوه قضاییه، مجلس و حتی نهادهای پژوهشی از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس صورت پذیرد که چه عواملی موجب شد که این فرصت‌های سراسریه گذاری محقق نشود؟

حتی در مورد پیمان‌های منطقه‌ای نیز نتوانستیم شرایط را در مسیری قرار دهیم که بتوانیم امتیاز لازم را برای پیشبرد مقاصد اقتصادی کسب کنیم. به عنوان مثال در مورد کنفرانس تقریب مشاهد که با هزینه‌های بسیار زیاد برای می‌شود باید مشخص بود که چه خروجی‌ای برای کشور دارد؟ در این کنفرانس‌ها به مسائل اقتصادی ورود پیدا نمی‌کنند؟ چرا از درجه اقتصادی به میزان اقتدار، منابع مالی و نفی کشورهای اسلامی نگاه نمی‌کنند و در این زمینه یک پیمان منطقه‌ای نمی‌دهند؟ کاری که در این مورد کشورهای اروپایی انجام دادند.

بر این اساس در حوزه روابط منطقه‌ای باید نگاه کلان داشت زیرا ۷۰ درصد نفت دنیا متعلق به کشورهای اسلامی است که این نشان از قدرت این کشورها دارد. در این شرایط مواز مذاکرات راهکارهای مسالمت‌آمیز همکاری‌های مالی دنیا در بورس این کشور با اسم جدید ارائه چشمگیری در سطح منطقه برسم. در واقع می‌خواهیم اثرگذار باشیم باید با پیوند با سایر کشورها در شکل‌گیری یک پیمان منطقه‌ای اقتصادی آسیایی، شرایط را به نفع منطقه تغییریم.

بر این زمینه لازم است پیمان‌هایی مانند اکو که پیش از این بین کشورهای منطقه منعقد شده

از دستگشش پیدا کنند. در همکاری بیشتر بتوان از مزایای یکدیگر بهره‌مند شد. به نظر شما برای یک لایحه تهیه و برای بررسی بیشتر به مجلس ارسال می‌کند، در مرحله بعد شورای نگهبان حکم می‌کند که این پدیده خلاف شرع است و باید لایحه رد می‌کنند بدون آن که آن را اصلاح کند. بنابراین باید برای همکاری شدن با بازارهای بین‌المللی با تغییر و اصلاح قوانین نسبت به بومی و شرعی کردن این نوآوری‌های صنعتی سازو کار لازم تعریف شود تا بازارهای صنعتی مالی داخلی بتوانند از پدیده‌های انقلاب صنعتی چهارم بهره‌مند شوند.

گفته‌شده شرایط ورود به عرصه رمازها در اقتصاد در شرایط تحریم باید با توجه به شرایط واقعی اقتصاد کشور برنامه‌ریزی کنیم و نباید با مطرح کردن الگوهای غربی به بیط‌بافت اقتصاد مانند اقتصاد آزاد یا سوسیالیسم، فعالیت‌ها موجود را کم‌توان کنیم. در این مورد باید الگوی جدید مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی که کارایی لازم را برای گذر از بحران‌های موجود دارد تعریف شود و همگام با آن نظارت‌ها نیز گسترش پیدا کرد.

دولت باید تا در نظر اقتصاددانان و صاحبان اندیشه که شرایط موجود را در درستی تحلیل و نقد می‌کنند برای پیشگیری روند حکمرانی اقتصادی استفاده و راهکارهای آنان را عملیاتی کند. زیرا فاصله طبقاتی و جبر حاکم فشار زیادی را بر مردم تحمیل کرده است که دیگر نمی‌توان تنها به دادن رانت پیش رفت.

بر این اصل باید توجه‌های کارساز جدید تدوین و اجرایی شود مانند کار در ماهاتیر محمد، رئیس‌جمهور مالزی در دور اول ریاست خود انجام داد و در نسخه‌ای که برای بهبود ساختار حکمرانی داری نوشت با تثبیت در دست اهداف حتی در حوزه آموزش مشخص کرد که در بازه زمانی خاص کشورش باید در حوزه علوم عالی پیشرو باشد و دانشگاه‌های آن به صورت بین‌المللی پذیرش دانشجویان داشته باشند و اکنون سال‌هاست که به این هدف رسیده‌است.

ماهاتیر محمد در آن زمان با تدوین قاعده ۲۰۲۰ در حوزه اقتصاد اعلام کرد که کشور باید چند کمربندها را محکم ببندیم زیرا دیگر دوران تشریفات و تجملات به سر رسیده است. بر همین اساس اقدام به تغییر را از راس باید به چهره انجام داد و متعاقب آن اقتصاد، بازارهای مالی و بورس مالزی را درگروگن کرد.

